



کامبیز درمبختش

Kambiz Derambakhsh

Fairies' Diary

دفتر خاطرات فرشته‌ها



دلم می‌خواهد یک کتاب از سرگذشت
زندگی‌ام بنویسم، ولی قبل از هر چیز
یک دفترچه‌ی ۱۰۰ برگ لازم دارم ...

I'd like to write my life story
as a book, But first I need
a thick notebook...



این پول تو جیبی که به ما می دهند،
به هیچ جای مان نمی رسد!

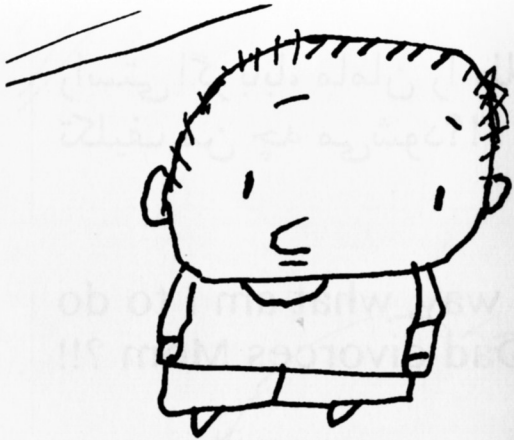
The pocket money
they hand us; well,
it just isn't enough!

اولین باری که روی لگن نشستم...



The first time
I sat on a bathtub

...



دنبال یک پدر مادر پدرمادر دار
می‌گردم. نمی‌خواهید مرا به
فرزندی قبول کنید؟!

I am Looking for real decent
parents. Don't you want to
adopt me ?!